

تیم ترجمه و ادیت آئویی سکای تقدیم میکند.

Uploader:

Aily

Translator:

Ciel

Editor:

Enola & Sherry

Director:

Lian

Indulging a crazy beauty

A
o
i
S
e
k
a
i

بسه دیگه!
با این مزخرفات
ژنرال رو اذیت
نکن.

برگرد
سر کارت.



چشم...

تو همسر
رسمی شاهزاده‌ای،
تازه دختر مشروع
خاندان بای هم
هستی.



چطور اجازه
می‌دی به رعیت،
اینطوری تو رو به بازی
بگیره؟



مگه
این عنوان‌ها چه
امتیازی برای من
داشتن؟

شاهزاده اصلاً
دوستم نداره، حتی
اختیار اداره خونه رو
هم ندارم.

یعنی تو مسئول اداره
خونه نیستی؟

پس اختیارش رو
به کی داده؟

به ندیمه.

یا شاید،
آخرش هم بده به
صیغه‌اش؟

فکر می‌کردم
تمام این مدت داشت،
چلوم نقش بازی
می‌کرد.

تا
مجبورم کنه کمکش
کنم.

ولی واقعا توی
کاخ هیچ نداره، شاهزاده
همین چوری هم طرف صیغه‌اش رو
می‌گیره، تازه این وسط ندیمه
هم حسابی مراقبشه...

بعید می‌دونم
حتی اگه پغواد هم بتونه
کاری بکنه.

بای من، تو...

واقعا تا
این حد حواری و تحقیقش
کردن؟



۲۱۰۰

لطفاً
من رو ببخشین.

مثل اینکه
پاورش شده. حالا وقتی شاهزاده
به رسمیت شناخته بشه، حتی اگه
پکشمش و ملکه نایب السلطنه
بشم هم...

ژو رونگ
طرف من رو می گیره.

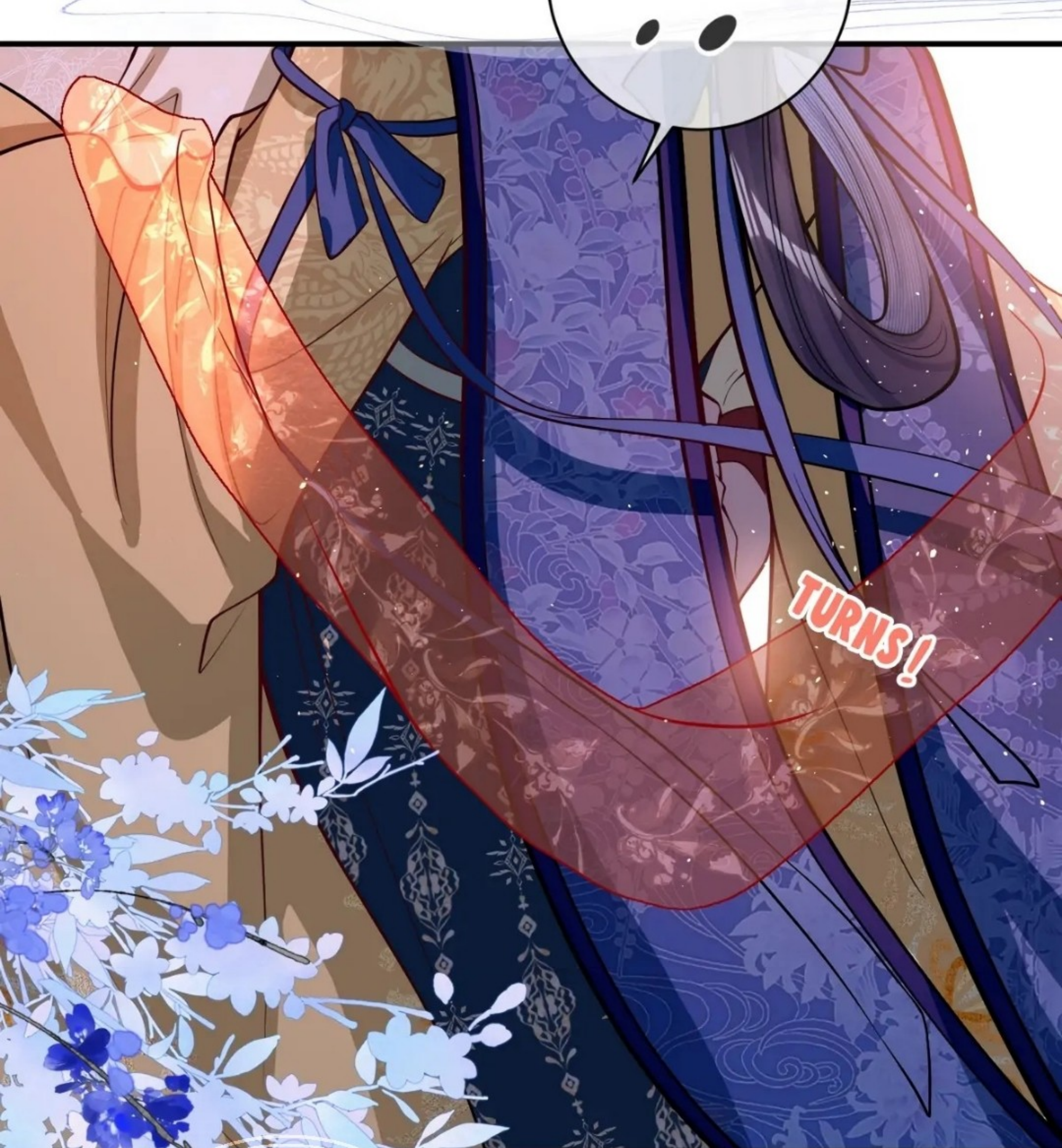


اما
با گول زدنش...

وفاداریش
به من واقعی می‌مونه؟

وایسا،
شاهدخت.





Turns!



من که
همه چیز رو گفتیم، دیگه
چی می‌خواد؟





هیچ معلوم
هست داری چی کار
می کنی؟ دور و برمون
پر از آدمه.



شاهدخت
باید یکم حیا داشته
باشه.



هه،
فکر کردی می خواستم
چیکار کنم؟



هیچی!
من دیگه باید برم،
ژنرال.

زنیکه...!



البته که
یه کارهایی می خوام بکنم.
مثلا، نصیحتت کنم، ازش جدا
بشی. ولی خب، ازدواجت رو خود
امپراتور ترتیب داده، پس
این یه مقدار کار
سختیه.





برای الان
بی خیالش می شیم.
خودم بعدا، یه نقشه‌ای
براش می کشم.

الان ...



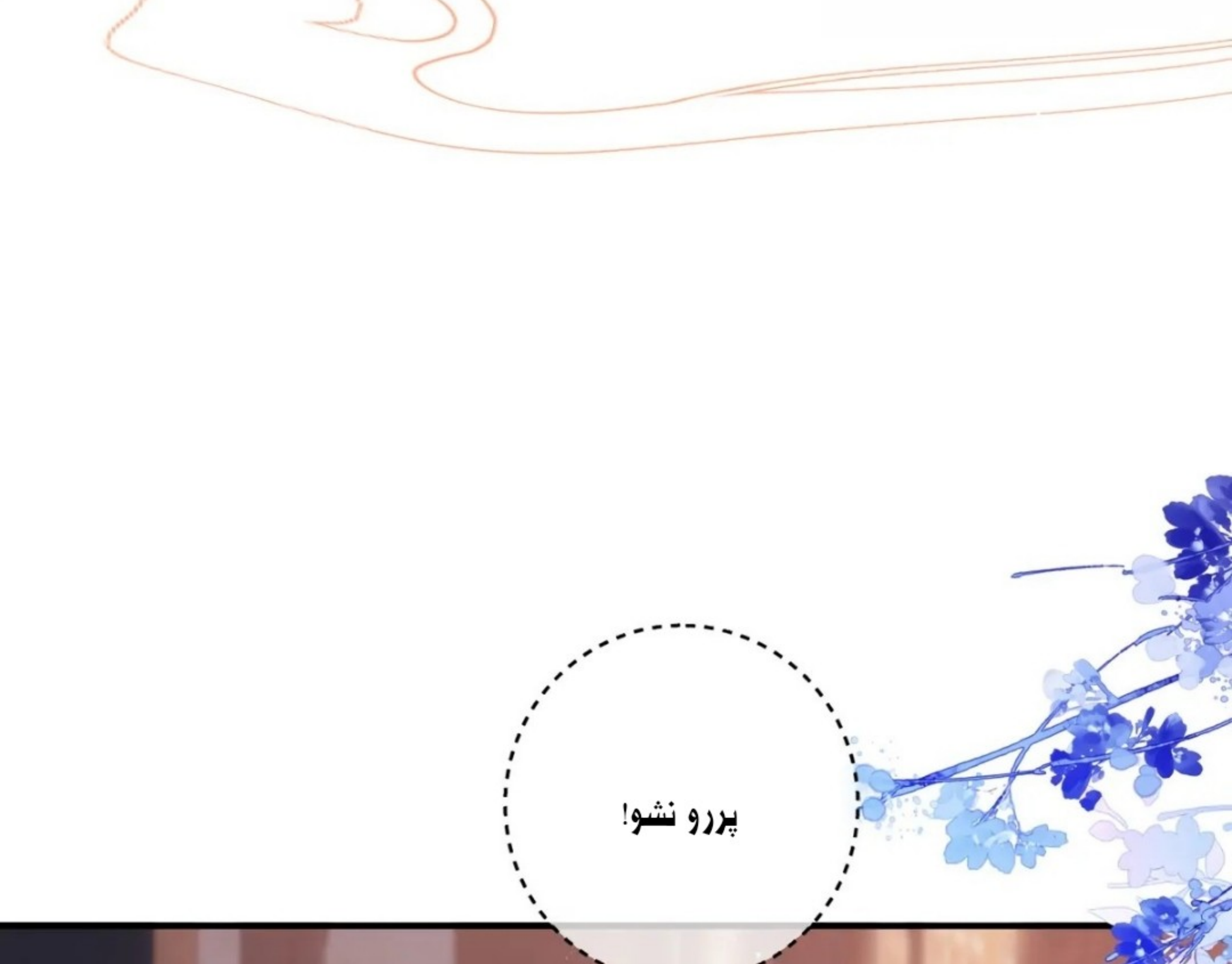
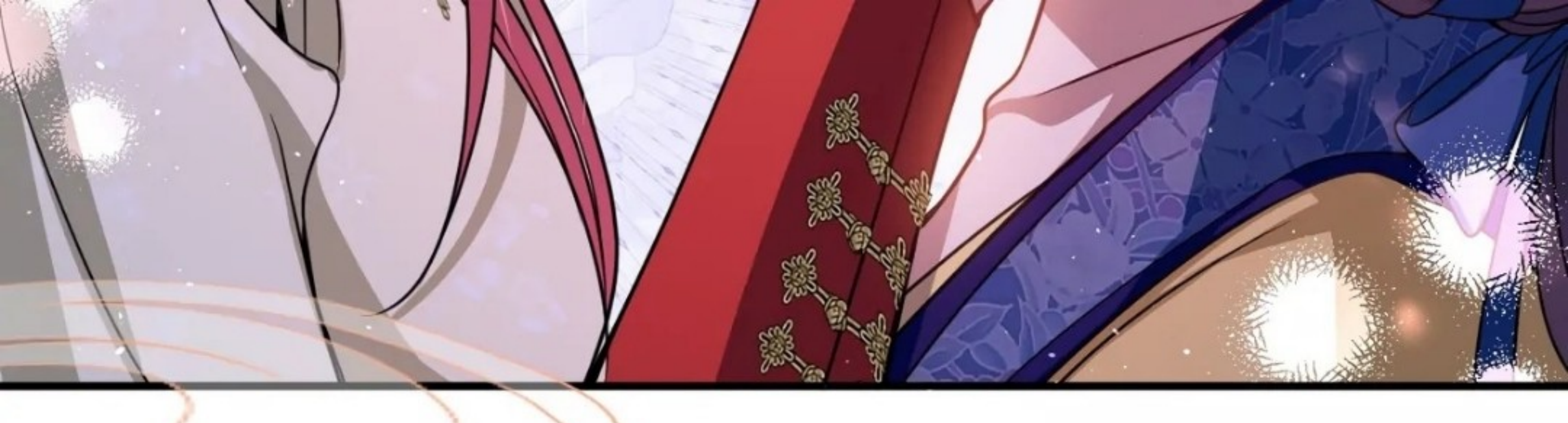
یهو
هوس کردم،
بیوسمت.



مم... ممف!

چه
سرخ شدی،
حواست هست که دور
و برمون پر از
آدمه؟



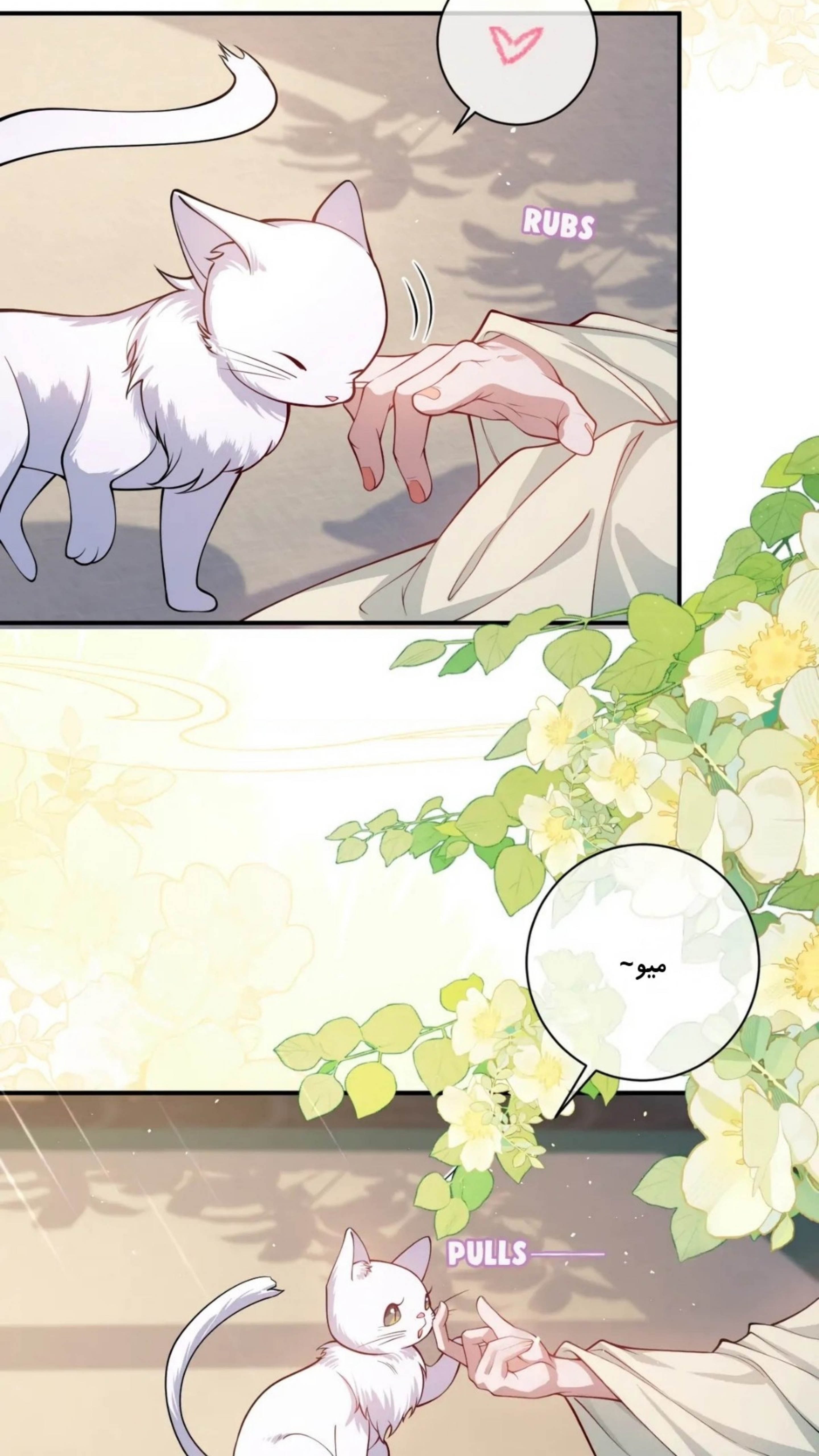
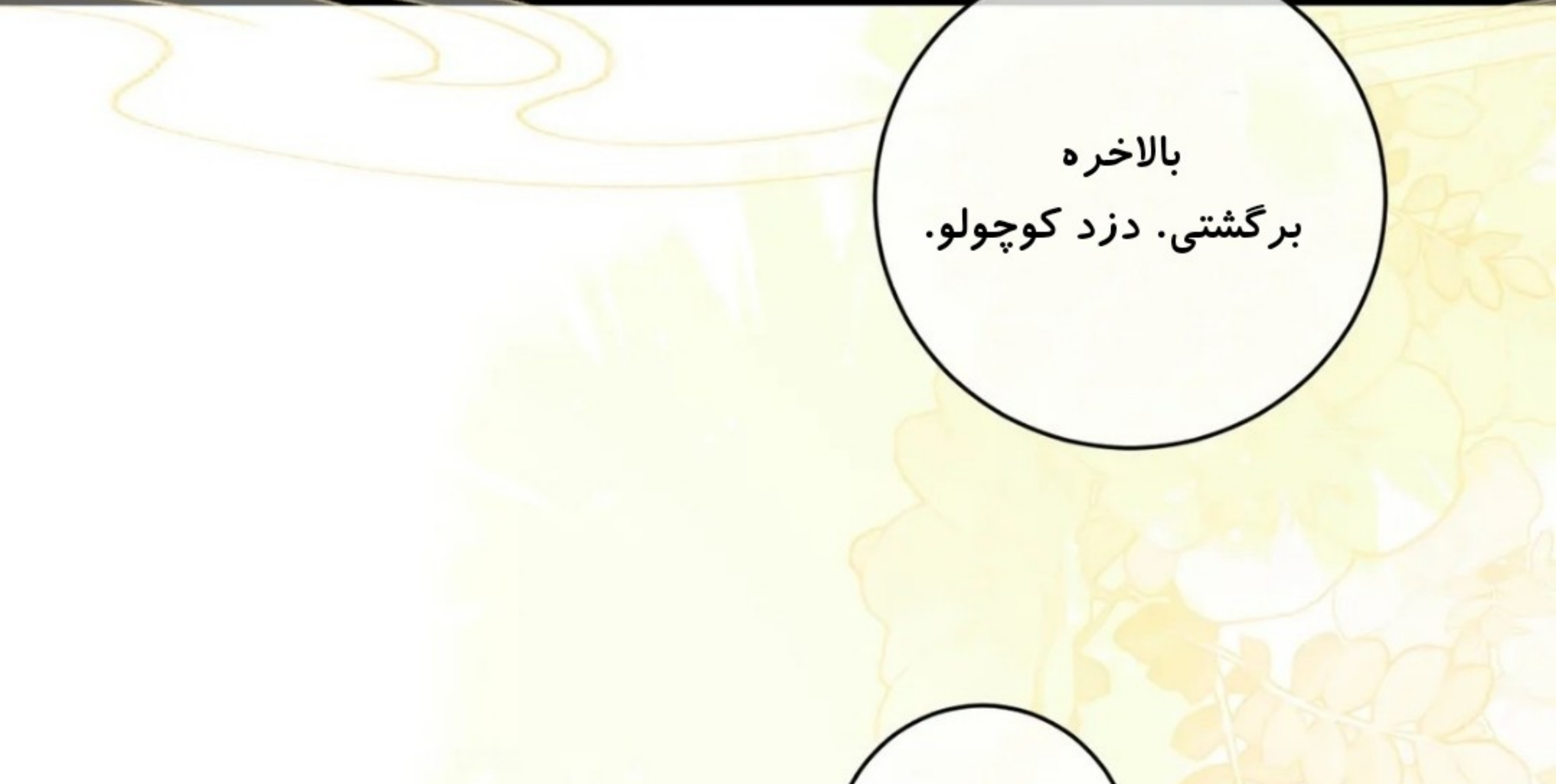
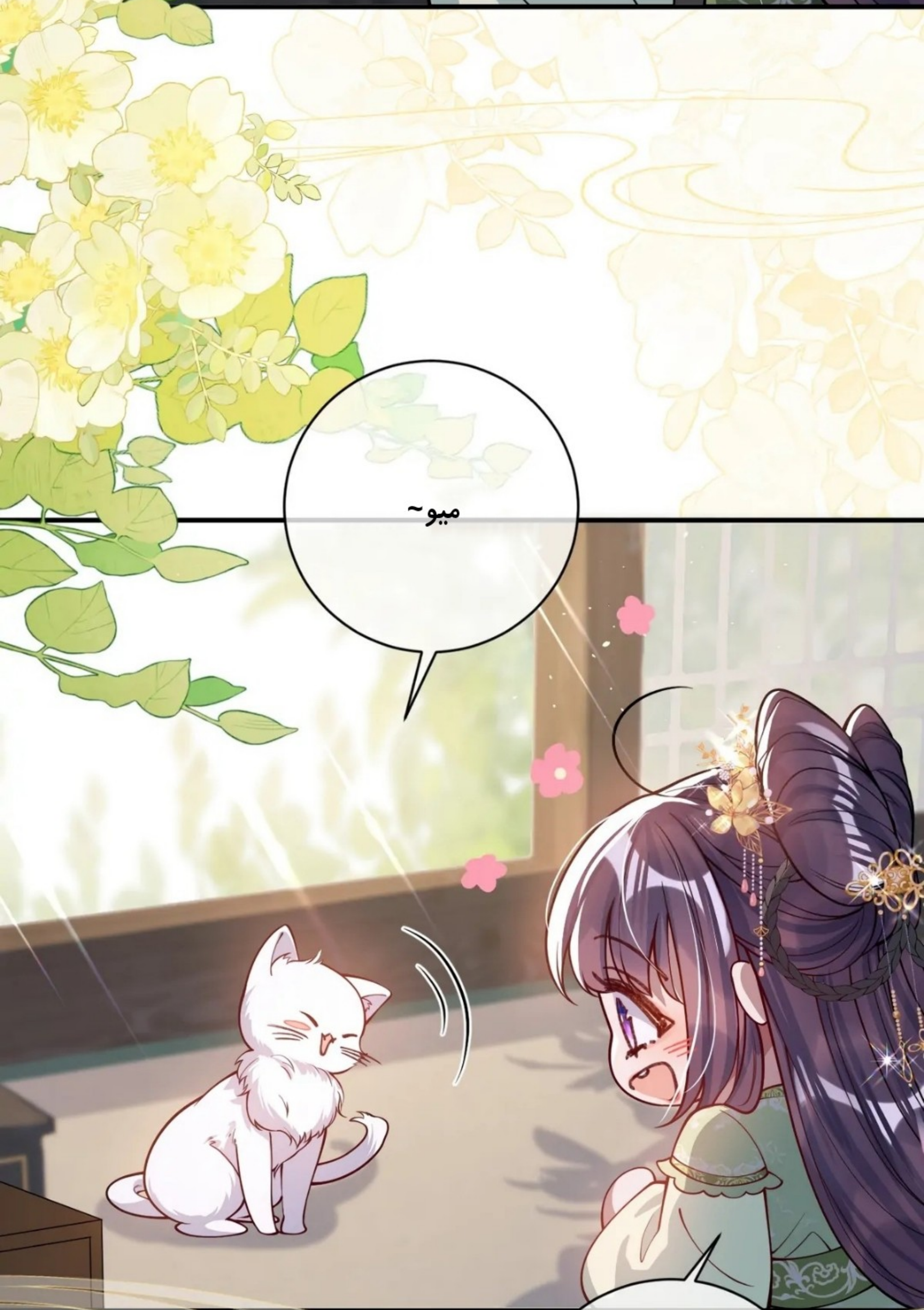




قسمت ۱۷

روز بعد

.....





قهر نکن حالا.

هل دادن و کشیدن، باید در تعادل باشه. نمی شه که فقط هل داد.



بعضی وقتها هم باید برات استخوان بندازم.





گرچه رو
راحت می‌شه کنترل کرد،
ولی سروکله زدن پا ژو رو نگه داره
روز به روز سخت‌تر
می‌شه...

شاهدخت،

به زودی،
یه ضیافت توی کاخ برگزار
می‌شه. شاهزاده دستور دادن که
شما و صیغه وان همراهی شون
کنین...



فهمیدم.

همچنین،
ژنرال ژو هلوهایی از
کوه حکیمان در آن‌یانگ،
فرستادن.



این جعبه
مخصوصا برای شماست.

هلو؟

PUTS
DOWN

حاضره
از من دفاع کنه
و حتی پرام هدیه
می فرسته.

پس،
ممکنه احساساتش
به من واقعی
باشن؟

معلومه
با دقت انتخابشون
کرده...



همم؟



این چیه؟



اینها!



یه نقاشی از منه؟!

ژو رونگ!

AS



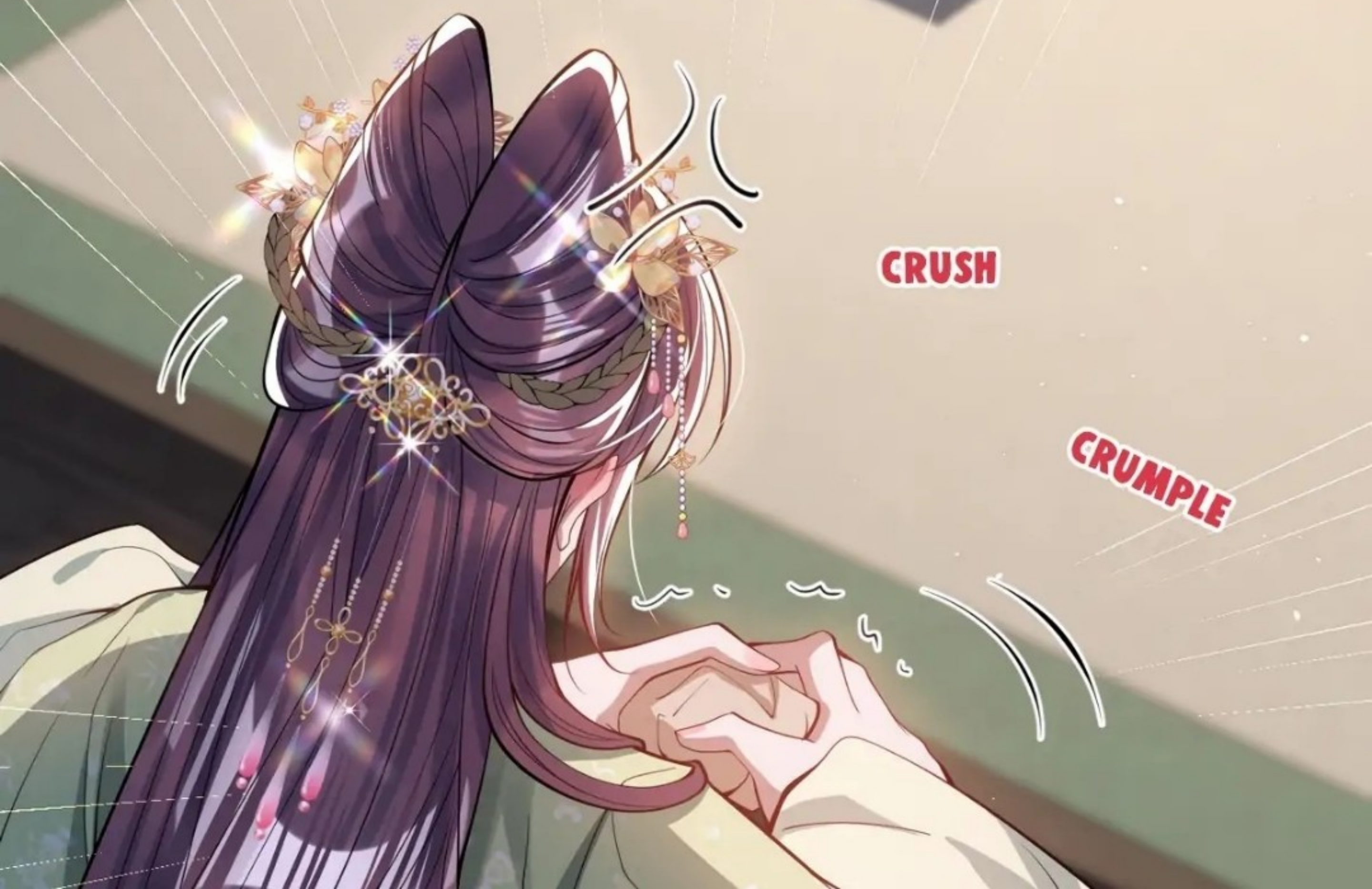
را ساعت
نم گونگ
باغ سنگر
سکام

*ساعت خرگوش: بیه زمان در چین باستانه، معادل تقریباً 5 تا 7 صبح.

یه تهدید ریگه!
که می خوام معپورم کنی
ملاقاتت کنم،
ها؟!

CRUSH

CRUMPLE





روانیه!
یه روانی په تمام
معنا!

میو~



آه، درسته...



حتی
اگه دیوونه هم باشه،
دلش محبت
می‌خواد.

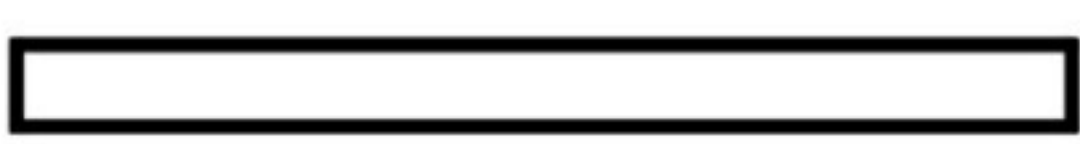
ولی،
این احساساتش
تا کی دوام
میارن...؟

SPILLS!





خیلی خب،
برای اون هم استخوان
می اندازم.



باید
همین جاها باشه...



(پناهش).

این
یشم های سفید
چیز چیه برون، یک جفت، فنگ و
هوانگ، چنپه های نر و ماده ی
ققنوس.



قطعه
فنگ رو بردای شو رونگ
می فرستم...



همم؟

این همون زنگوله بنوا نیست که مومو ته چعبه‌ی چهپزیه گذاشته بود؟



این یه شیء کمیابه برای ارضای زن‌ها توی تخت، مادرم مخصوصا از مومو خواسته بود که طرز استفاده‌اش رو بهم یاد بده، تا بتونم دو گو یان رو راضی کنم.

*مهره بنوا/ مین لینگ: یه نوع مهره مقعدی/واژنی فانتزی در چین باستانه. این زنگوله بعد از فرو کردن برای سرگرمی صدا می‌ده. طبق متون بازمانده، شبیه ویبراتوره‌های امروزیه. چون زنگوله خودش رسانای گرمائه، حالا توش هم یه مقدار جیوه مایه هست و این باعث می‌شه با دمای بدن خودش بلرزه. ولی، بعضیا میگن این یه برداشت اشتباهه، چون اون موقع کسی معیار مقایسه‌ی درستی نداشته. برای راحت بیرون کشیدنش هم، نخ‌های تزئینی بهش وصل کردن.


اون مرتیکه اصلا ارزشش رو نداره.




اون آشغال بدردنخور، فقط تو خواب می‌تونه یه ژندال رو په چالش بکشه.

این رو هم به ژو رونگ می‌دم!






اونم
یه زنه دیگه. مطمئنم
از این هدیه‌ها خوشش
میاد.




جعبه رو
به ژنرال برسون. بگو
به نشونه قدردانی
شاهدخته.



تو از
یه دودمان چنگجویی، به
تهدیدها و تمرین‌های چنگی
عادت داری.

چشم.




ولی از
شانس بدت، من از یه
خاندان سیاستمدارم که تووش
تحریک و بازی‌های فکری
عادیه.

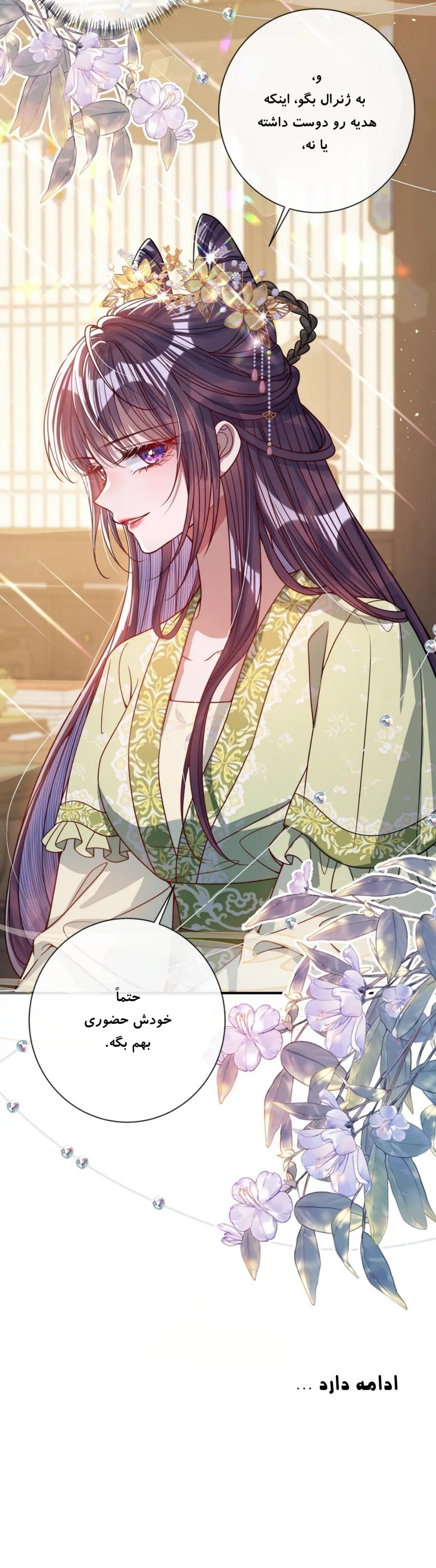
DING-A-LING

کاری از تیم
ترجمه و ادیت آنجی سکا
ما رو فقط در کانال تلگرامی
@AniSekai
دنبال کنید

DING-A-LING



اون یشم
به تنهایی برای یه
چنگجو مثل تو، کافی
نیست.



،
به ژنرال بگو، اینکه
هدیه رو دوست داشته
یا نه،

حتماً
خودش حضوری
بهم بگه.

ادامه دارد ...

سلام

این فایل که هم اکنون خوندید،
توسط تیم بزرگ تلگرامی

Aoisekai

ترجمه و ادیت شده و برای شما
و بقیه افرادی که به مانهوا
خوندن علاقه دارن آماده
شده.

تیم آئویی سکای فقط و
فقط در تلگرام فعالیت میکند.

اگه این فایل توی رویکا، سروش،
ایتا، اینستا و بقیه پیام رسان های داخلی و
خارجی گذاشته شده و دارید میخونید،
بدونید بدون اجازه ی تیم ما گذاشته شده
و این کار دزدی محسوب میشود و به
هیچ عنوان ما راضی نیستیم.
فقط و فقط ما رو از طریق کانال تلگرامی
زیر دنبال کنید و مارو حمایت کنید:



[HTTPS://T.ME/AOISEKAI](https://t.me/AOISEKAI)